



رئیس‌جمهوری:

دانشگاه همواره فضای نقادی است

ایستنا: رئیس‌جمهور روز گذشته در آیین آغاز رسمی سال تحصیلی دانشگاه‌ها و مراکز آموزش عالی و فناوری کشور که از طریق ویدئوکنفرانس برگزار شد، با بیان اینکه از روز اول مقابله با کرونا خود را موظف می‌دیدم در همه امور، برنامه‌ها و کارهایم پروتکل‌ها را رعایت کنم، گفت: «هرچند گاهی رعایت پروتکل‌ها ...

• صفحه ۲

دوشنبه ۲۴ شهریور ۱۳۹۹ • ۲۵ محرم ۱۴۴۲ • ۱۴ سپتامبر ۲۰۲۰

تنترها

جدال بر سر یک فرودگاه

• صفحه ۴

تلاش روسیه برای پیروزی ترامپ مؤثرتر از چین است

• صفحه ۸

حذف متقاضیان

اعتراض خریداران خودرو به مقابل وزارتخانه کشید

• صفحه ۵



داستان استراماچونی به زبان ساده

• صفحه ۱۱

حرف اول

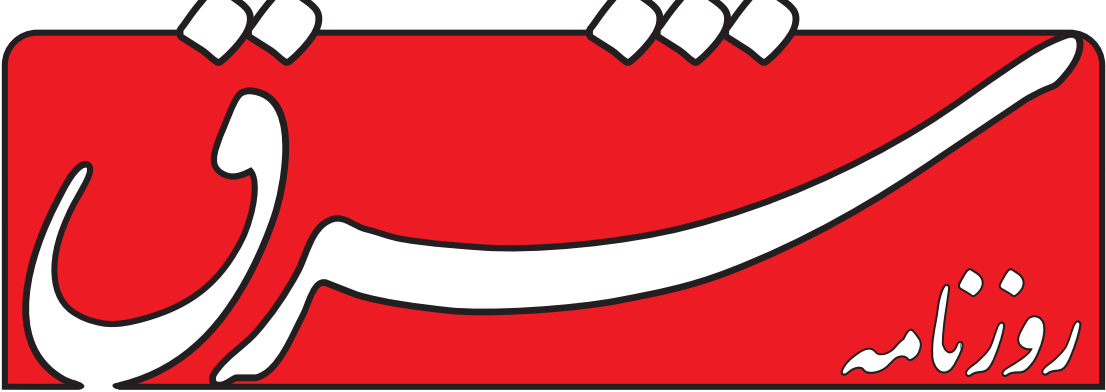
کدام بازار برای کدام سرمایه‌ها؟

مهدی تقوی
استاد باز نشتسته اقتصاد علامه



معضل سرمایه‌های سرگردان در اقتصاد ایران همچنان پابرجاست و این نقدينگی هرجا برود آن بازار را زسر و رو می‌کند، همان‌طورکه در این مدت بازار ارز کشور را تحت تأثیر قرار داد. در واقع سرمایه‌های سرگردانی که در اقتصاد ایران وجود دارد، راه را بر اجرای هر سیاست اصلاحی بسته‌اند. البته تقصیر متوجه شهروندان نیست. وقتی یک کشور بیش از چهار دهه نرخ تورم افزایشی چشمگیر را تجربه می‌کند، بدیهی است مردم ترجیح دهند نگهداری پول به‌عنوان پس‌انداز را کنار بگذارند و آن را تبدیل کنند؛ این یعنی پول مردم در قالب پس‌انداز لازم است دائم به اقلامی تبدیل شود که اگر سودی هم دارد باعث تضعیف دارایی آنان نشود. گاهی این محصول یا دارایی، خودروی تولید داخل است، زمانی خودروی وارداتی، گاهی سیم‌کارت تلفن همراه است و گاهی مسکن، می‌بینیم که سرمایه‌های سرگردان همه بازارها را نشان می‌روند؛ از بازار کالای مصرفی تا یادوام و سرمایه‌ای. این امر به‌ویژه در سال‌های اخیر سبب افزایش تجربه سرمایه‌گذاران خرد شده است. آنان دریافته‌اند در بنگاه‌ها، ارز و به‌ویژه دلار، بازار کمریسیکی برای سرمایه‌گذاری است و بسیاری از سرمایه‌گذاران، می‌هدف وارد بازار ارز می‌شوند و در نتیجه این بازار هر ماه نرخ‌های تازه‌ای را ثبت می‌کند. می‌دانیم کشور از یک سو در زمینه ارزی است و از سوی دیگر با تقاضایی غیرواقعی روبه‌رو می‌شود و در نتیجه قیمت ارز رو به افزایش می‌گذارد. راه‌حل ایجاد ثبات در بازار ارز، برخورد اقتصادی با این مسئله است. اگر سیاست ارزی بلندمدتی مد نظر قرار گیرد و طبق اصول اقتصادی اداره بازار در دستور کار قرار گیرد، می‌توان با اجرای مداوم سیاست انضباط پولی و همچنین پیشگیری از اجرای سیاست‌های تورم‌زا در یک دهه، اقتصاد را از بحرانی که به آن مبتلاست رها کرد. در غیر این صورت نمی‌توان به مردمی که برای پیشگیری از کاهش قدرت خرید و ارزش پولشان وارد میدان می‌شوند توصیه‌هایی اخلاقی و نه اقتصادی کرد. توصیه به مردم برای واردنشدن به بازار ارز در شرایط مضیقۀ ارزی، ابتدا یک توصیه اخلاقی است، اما وقتی مردم می‌بینند پولی که در جیب دارند روزبروز کمتر می‌شود و ثرویشان به‌دلیل حرکت موج تورمی در حال ازدست‌رفتن است، حتی به اشتباه وارد بازارهایی مانند ارز و سکه می‌شوند.

ادامه در صفحه ۲



بعد از ۴۰ سال اولین دادگاه جرم سیاسی برگزار می‌شود

محاكمه متهمان سياسي با هيئت منصفه

• صفحه ۳

گفت‌وگوی «شرق» با محمدرضا باهنر:

نگویم هر کس

رئیس جمهور شد

فرقی نمی‌کند

• **خیال‌کاندیداهارا حت باشد**

• **رقیبی به نام باهنر ندارند**

• **همه رؤسای دولت‌ها در دور دوم می‌گویند اختیار مان کم است**



• صفحه ۲

یادداشت

زلزله طبس، حادثه‌ای که کاتالیزور انقلاب شد

ما‌مور کمک به زلزله‌زدگان و یاری به جمعیت شیر و خورشید سرخ شد. شاه همراه نخست‌وزیر و فرح هرکدام به‌طور جداگانه ۳۰ شهریور ۱۳۵۷ به بازدید از مناطق زلزله‌زده رفتند. از سوی فرح هیئت امنایی به ریاست مادرش فریده دیا تشکیل شد تا به جمع‌آوری کمک برای زلزله‌زدگان طبس بپردازد. دربار اعلام کرد که جشن‌های چهارم و نهم آبان (روزهای تولد شاه و پسرش) برگزار نمی‌شود. از طرف دولت سه روز عزای عمومی اعلام شد. علما با اعلام شماره‌حساب‌هایی از مردم خواستند که کمک‌های خود را از این طریق به دست نیازمندان برسانند. آیات عظام شیرازی، گلپایگانی، شریعتمداری، آشتیانی و قمی شماره حساب‌هایی اعلام کردند و هیئت‌هایی برای کمک به زلزله‌زده‌ها به منطقه فرستادند. در اسناد ساواک درباره هیئتی که به نام امام خمینی در منطقه فعالیت می‌کرد، آمده است که آیت‌الله صدوقی در طبس مستقر شده و ... فعالیت عوام‌فریانه روحانیون در منطقه به حدی است که مأموران دولتی و فرهنگیان و دانشجویان را به طرف آنان جلب کرده و در روستای محمدآباد که در نزدیکی طبس واقع شده فعالیت زیادی به نفع خمینی انجام می‌گیرد.

امام خمینی در روز ۲۷ شهریور، از نجف، پیامی درباره زلزله طبس منتشر کرد: «این‌جانب از واقعه اسفناکی که موجب مرگ عده کثیری از برادران و خواهران ما شد، در سوگ هستم... مسلمین غیرتمند لازم است «مستقیما» به برادران خود کمک کنند و چیزی به دست عمل دولت ندهند که باز راه برای چپاولگران باز شود. در این موقع حساس آنچه لازم است به ملت شریف ایران تذکر دهم آن است که دولت و بوق‌های تبلیغاتی شاه از فرصت استفاده کرده و به اغفال مردم دست زده‌اند. آتهایی که هزاران نفر از بهترین فرزندان ما را دیروز بی‌رحمانه قتل عام کرده و ملتی را به عزا نشاندند، امروز برای انحراف اذهان به تعزیه‌سرایی پرداخته و اشک تمساح برای زلزله‌زدگان می‌ریزند». گروه‌های مختلف سیاسی مخالف حکومت پهلوی با افکار متفاوت از اسلامی تا مارکسیستی در طبس فعال شدند. چریک‌های فدائی خلق و نمایندگانی از کنفدراسیون دانشجویان خارج، در طبس پس از وقوع زلزله اقدام به ایجاد پایگاه کردند. شاخص‌ترین پایگاه به نام امام خمینی در طبس دایر شد. پایگاهی که در آن تمثال‌هایی از امام نصب شد و روحانیونی مثل صدوقی و هاشمی‌نژاد مسئولیت امور آنجا را به دست داشتند. در میان اتفاقات تأثیرگذار پس از زلزله طبس می‌توان به کشته‌شدن حجت‌الاسلام سیدمهدی گلپایگانی فرزند آیت‌الله‌العظمی گلپایگانی در حادثه تصادف مسیر یزد به طبس اشاره کرد.

ادامه در صفحه ۴



مهدی زارع*

در چهل‌ودومین سالروز زلزله ۲۵ شهریور ۱۳۵۷ طبس، بررسی بازتابی که در فضای ملتپه و انقلابی آن روزها داشت، حاوی درس‌های مهمی است. زلزله هشت روز بعد از حادثه جمعه سیاه ۱۷ شهریور ۱۳۵۷ و در زمان دولت شریف‌امامی رخ داد که پنجم شهریور به نخست‌وزیری منصوب شده بود. در هنگام زلزله هنوز تا ساعت‌ها بعد، اخبار دقیقی از محل وقوع زمین‌لرزه در رسانه‌ها منتشر نمی‌شد. فردای زمین‌لرزه روزنامه صبحگاهی «آیندگان» با تیتر «زلزله در تهران و شرق کشور» نوشت: «زلزله ساعت ۱۹:۴۵ دقیقه دیشب تهران را لرزاند و کسانی که متوجه وقوع آن شده بودند وحشت‌زده به خیابان‌ها ریختند. براساس گزارش خبرنگاران آیندگان از شهرهای مسیر زلزله این حادثه، هنوز گزارشی از خسارات احتمالی به‌ویژه در روستاها نرسیده و از شدت زلزله نیز اطلاع دقیقی در دست نیست». البته روزنامه‌های کیهان و اطلاعات عصر همان روز از خرابی طبس به‌عنوان کنون زلزله خبر دارند. نکته جالب آن است که ساعت رخداد زلزله طبس (۱۹:۰۶) به وقت محلی) در بسیاری از روزنامه‌ها، به‌ویژه همین روزنامه آیندگان، ۱۹:۴۵ دقیقه و در روزنامه اطلاعات ۱۹:۳۸ آمده است! این اشتباه بعدها در تمام منابع سایت‌ها و روزنامه‌ها تکرار شده است! اتفاق دیگر که در زلزله‌های بعدی (وقبل) ایران رخ داده آن است که تعداد کشته‌ها، در اولین روزهای بعد از رخداد با برآورد روزنامه‌نگاران روزنامه‌های کثیرالانتشار تخمین زده شده و همان آمار حدسی و غیردقیق اولیه تقریباً در تمام اسناد و گزارش‌های بعدی ثبت دائمی شده است! روزنامه کیهان در شماره دو روز بعد از زلزله در شماره ۲۷ شهریور ۱۳۵۷ تلفات زمین‌لرزه طبس را ۱۵ هزار نفر ذکر کرد. درحالی‌که مشخص نیست چگونه به این سرعت امکان برآورد نسبتاً سریع و درج عدد امکان‌پذیر بوده است! (همین اتفاق بعداً در زلزله ۳۱ خرداد ۶۹ منجیل با اعلام ۴۰ هزار کشته، دو روز بعد از زلزله تکرار شد) مرکز آمار ایران در گزارشی که نیمه مهر ۱۳۵۷ از زلزله طبس منتشر کرد، تعداد تلفات را شش‌هزارو ۳۴۳ نفر اعلام کرد. بعد از زمین‌لرزه صحنه امدادرسانی به صفارایی غیررسمی دو حاکمیت در ایران آن روز تبدیل شد: حاکمیت در حال فروپاشی پهلوی و حاکمیت در حال فراگیرشدن مخالفان به رهبری امام خمینی. روز بعد از زلزله به فرمان شاه، ارتش

یادداشت

آمریکا با ایران چه می‌کند؟

از موضوعات مانند مسائل منطقه‌ای یا موشکی با آمریکا هم‌نظر هستند، اما استدلال آمریکایی‌ها که منتج به نابودی برجام می‌شود را غیرمنطقی دانسته و نمی‌خواهند با همراهی با آمریکا، برجام را نابود کنند. برجام همچنان کارکرد دارد و تلاش تندروها که دولت بعدی آمریکا نتواند به برجام برگردد و عادی‌سازی روابط تهران و واشنگتن به‌راحتی انجام شود، آنها می‌خواهند اگر بایدن هم پیروز انتخابات آبان‌ماه شد، بهبود روابط با تهران به‌سادگی امکان‌پذیر نباشد. در عین حال باید دانست آمریکا به دوران اوپاما بازمی‌گردد. جو بایدن روش اوپاما را با تعدیل‌ها و تفاوت‌هایی دنبال خواهد کرد به این معنا که نه آن قدر مانند اوپاما مثبت عمل خواهد کرد و نه روش ترامپ را دنبال می‌کند. در این چارچوب تلاش خواهند کرد نظرات مثبت جمهوری‌خواهان و متحدان منطقه‌ای آمریکا را در مواردی همانند افزایش بند غروب برجام جلب کنند. در شرایط کنونی بعید است پافشاری آمریکا به نتیجه برسد. تا مشخص‌شدن نتایج انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، فضا در حالت ابهام و تعلیق باقی می‌ماند. اروپایی‌ها هم می‌دانند نابودی برجام بر آشفتنگی خاورمیانه دامن خواهد زد که این مسئله در شرایطی که آمریکا حضورش در منطقه را کمرنگ کرده، به نفع آنها نیست. آمریکا این موضوع را در حالی مطرح کرده که با وتو و مخالفت روسیه و چین در شورای امنیت مواجه خواهد شد؛ البته که روسیه و چین خود فروشنده تسلیحات به ایران هستند. روابط جمهوری اسلامی با آمریکا و غرب، بی‌تنش و حسنه نیست از اتحادیه اروپا انتظار می‌رفت در این‌گونه موضوعات و حتی در قبال خروج آمریکا از برجام، آنها که خواهان ادامه برجام بودند، قاطع‌تر موضع‌گیری کنند. در واقع انتظار ایران به فرایند قابل قبولی منجر نشد. آمریکا فراتر از مسئله اقتصادی، مسئله تسلیحاتی را مورد تحریم قرار داده تا علاوه بر فشار همه‌جانبه اقتصادی، از طریق تسلیحاتی نیز فشار وارد کند. باید در نظر داشته باشیم چین و روسیه هرگاه طرحی درباره محدودیت تکنولوژی هسته‌ای و... بود، مخالفتی نداشتند اما درباره مسئله تسلیحاتی مخالفت کردند چون آنها فروشنده سیستم تسلیحاتی هستند. آمریکا و اروپا تعاملات گسترده‌تری با یکدیگر دارند بنابراین از اروپا انتظار می‌رفت در قبال فشار آمریکا ایستادگی کند که چنین نکرد. منافع اروپا در این است که نیازهای تسلیحاتی ایران تأمین نشود.

ادامه در صفحه ۴

بازگشت تصویر دختران به کتاب ریاضی سوم دبستان

عذرخواهی وزیر

گروه جامعه: اعتراض‌ها نتیجه داشت و بنا بر اعلام وزارت آموزش و پرورش، تصویر حذف‌شده دختران از روی جلد کتاب ریاضی سال سوم دبستان، سال آینده به جلد بازمی‌گردد. واکنش‌ها به قدری به حذف بی‌سلیقه دختران از روی کتاب ریاضی زیاد بود که وزیر آموزش و پرورش رسماً وادار به عذرخواهی شد...

• صفحه ۹

سال هجدهم • شماره ۳۸۱۶ • ۱۲ صفحه • ۵۰۰۰ تومان

سرمقاله

معادله کاهش نابرابری و کرامت

عیسی منصوری



در قرن بیستم طیف چپ در جهان به دنبال برابری و مساوات و طیف راست مدعی آزادی اقتصادی بود. تشکل‌های کارگری و احزاب سوسیالیست به دنبال بازتوزیع درآمد و تأمین اجتماعی بهتر بودند و جناح راست دغدغه کاهش اندازه دولت و تقویت بخش خصوصی را داشت. اینک اما به نظر می‌رسد اثری از آن دسته‌بندی سنتی نیست و به جای آن، روندها و جریان‌های بزرگ‌تری بر جهت‌گیری جوامع و سیاست‌ورزان اثر می‌گذارند. شاید بتوان گفت مهم‌ترین دوگانه موجود پیش‌روی انتخاب ملت‌ها در دو دهه و سال‌های اخیر دوگانه «برابری اقتصادی» و «کرامت» بوده است. دسته‌ای از اندیشمندان در جهان بر این عقیده‌اند که اداره امور جامعه باید در دست طبقه‌ای از متخصصان باشد که منافع شخصی آنها فراتر از خواسته‌های محلی و زودگذر آحاد جامعه است؛ به همین خاطر توصیه می‌کنند کشورها در عمل توسط نخبگان مدیریت شوند؛ در غیر این صورت این خطر وجود دارد که منافع مشترک زودگذر در دوره‌هایی افکار عمومی را به انحراف ببرد. توده‌های بدون تحصیلات کافی که به‌راحتی می‌توان بر آنها تأثیر گذاشت، نمی‌توانند از پس اداره کشور برآیند. در این سیاق فکری هویت، کرامت انسانی و ثروت‌زایی ملی مورد توجه قرار دارد. اما این نگرش در عمل با وجود رشد اقتصادی، افزایش قابل‌توجه نابرابری اقتصادی در بسیاری از کشورهای غربی در دهه‌های اخیر (به‌ویژه تحت تأثیر جهانی‌شدن) را به همراه داشته است. مشابه این روند احتمالا با دلایل دیگر در سایر کشورها از جمله ایران هم قابل رصد است.

آمریکای دوره اوپاما مدیریت اقتصادی در قالب چارچوب‌های علمی کلاسیک و ارتقای جایگاه بین‌المللی را تجربه کرد. از جمله، رهبری تکنولوژیک آمریکا به او این امکان را داد که به‌منظور ثروت‌زایی بیشتر میزان برون‌سیاری فعالیت‌های کم‌ارزش‌تر به شرکت‌های چینی، کره‌ای و مانند آنها را افزایش دهد. در تداوم روند گذشته، بخشی از طبقه متوسط درآمد و شغل خود را از دست دادند و به دهک‌های پایین‌تر سقوط کردند. درآمد شرکت‌های آمریکایی افزایش داشت اما روند نابرابری اقتصادی بین صدک‌های بالا و پایین نیز ادامه یافت. به گونه‌ای که جنبش وال‌استریت در اعتراض به یک درصد ثروت‌تو شکل گرفت و در ادامه رای‌دهندگان آمریکایی در واکنش به نابرابری موجود، در سال ۲۰۱۶ به مدعی «بازگرداندن درآمد و اشتغال برای آمریکاییان» رای دادند. این روند در برخی کشورهای اروپایی هم مشاهده شده است.

دسته‌ای دیگر از اندیشمندان بر این باورند که توده‌ها نشان داده‌اند می‌توانند عملکرد هوشمندانه‌ای در سیاست داشته باشند. بهار عربی نشان داد حتی در جاهایی که صاحب‌نظران انتظارش را نداشتند، تقاضای پرشوری برای مشارکت سیاسی وجود دارد؛ فقط باید به آن فرصت بروز داده شود. این نگرش بر رفق نابرابری‌های اقتصادی، ارتقای زندگی توده‌های کم‌درآمد و البته «بازگشت به داخل» که با ابعای نمایندگی توده‌های فقیر و رفع نابرابری به قدرت می‌رسند، به تدریج رفتارهای خودمحورانه و دیکتاتورمانه بروز می‌دهند و به کرامت انسانی و قواعد مورد توافق در این زمینه، که برای جامعه متوسط مهم است، توجه کمتر می‌کنند. گاهی نیز از کنش‌های همراه با تخریب کرامت انسانی ایایی ندارند. پویش «زندگی سیاهان مهم است» در دروه مدیریت ترامپ به صراحت به بی‌اعتنایی حکومت به کرامت سیاهپوستان اعتراض داشته است.

در انتخابات ۶۶ ایران قول کرامت انسانی رای آورد، درحالی‌که در ۱۳۸۴ نامزدهای مدعی منزلت اجتماعی در اولین مرحله انتخابات جا ماندند و جامعه دعوی مقابله با نابرابری، حذف ثروتمندان نوسرسیده و بازگشت به داخل را انتخاب کرد. اما به تدریج خودمحوری و تحدید فردیت و کرامت آحاد جامعه به ویژه طبقه متوسط قوت گرفت؛ نتیجه آنکه سهم کرامت مجدداً در خواسته‌های رای‌دهندگان و انتخابات بعدی افزایش و توجه به نابرابری (مورد تأکید یکی از نامزدها با شعار چهاردرصدی‌ها) کاهش یافت.

مقایسه و ادعای شباهت بین مصادیق در کشورهای مختلف به‌راحتی امکان‌پذیر نیست.

ادامه در صفحه ۲